

# میزگرد

روابط آمریکا-افغانستان در حکومت دونالد ترامپ

۳۰ جدی ۱۳۹۵



AISS-R-003-2017



[www.aiss.af](http://www.aiss.af)



[@AISS\\_Afg](https://twitter.com/AISS_Afg)



[@AISSAfghanistan](https://www.facebook.com/AISSAfghanistan)



## میزگرد «روابط آمریکا-افغانستان در حکومت دونالد ترامپ»

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

۳۰ جدی ۱۳۹۵

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان روز پنجشنبه برابر با ۳۰ جدی ۱۳۹۵ برابر با ۱۹ جنوری ۲۰۱۷، میزگردی را با عنوان "روابط آمریکا-افغانستان در حکومت دونالد ترامپ" برگزار کرد. آقای مایکل البین، کتابدار و محقق در کتابخانه کانگرس آمریکا و کارشناس مسائل سیاسی و آقای حمید ارسلان مسئول برنامه‌ها از بنیاد ملی برای دموکراسی در واشنگتن دی.سی سخنرانان این میزگرد بودند و گردانندگی آن را آقای محمد اشرف حیدری، رئیس عمومی پالیسی و استراتژی وزارت امور خارجه افغانستان و پژوهشگر همکار در انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان برعهده داشت. شماری از کارشناسان، محققین و خبرنگاران هم در این برنامه اشتراک داشتند.

آقای حیدری در آغاز میزگرد گفت که دیدگاه عمومی در حال حاضر حاکی از نامشخص بودن آینده روابط افغانستان و آمریکا در حکومت ترامپ است. در همین چشم انداز است که موضوعاتی چون "مبارزه با تروریسم"، "ظرفیت سازی در نهادهای نظامی و غیر نظامی" و "انکشاف اقتصادی" مورد بحث قرار می‌گیرد. یکی از توقعات مهم دولت افغانستان از دولت ترامپ افزایش فشار بر پاکستان برای همراه کردن این کشور در مبارزه با افراطگرایی و تروریسم است.

**دولت ترامپ در محور منافع ایالات متحده آمریکا حرکت می‌کند:** آقای البین که علاقمندی اش به افغانستان به دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد، گفت اظهاراتش به سال‌ها تجربه کاری اش در دولت ایالات متحده آمریکا و پیگیری مسایل سیاست خارجی بخصوص در رابطه با افغانستان مبتنی است. به گفته آقای البین، پیش از هر چیز ما باید پدیده "ترامپ" را بشناسیم. شناخت آقای ترامپ مشکل نیست. باید به صحبت‌های او گوش بدهید. وقتی او می‌گوید "دوباره آمریکا را قدرتمند می‌سازد"، منظورش این است که آنچه را در محور منافع آمریکا باشد انجام خواهد داد. برای ترامپ امریکایی بودن مهمتر از جهانی بودن است. ثانیاً، توصیه من به شما این است که در طول چهارسال آینده در مورد جوانب بحث‌هایی که توجه شما را جلب می‌کند "گوش بدهید و بخوانید" و به طور انتقادی تامل کنید. برخی از موضوعات مورد علاقه شما احتمالاً عبارت اند از امور "داخلی"، "بیمه صحتی و سیاست مالیاتی"، "استقلال انرژی"، "مسایل تجاری"، "مهاجرت" و "بودجه آمریکا در بعد کمک نظامی و انکشافی". اما در قدم اول آنچه برای شما اهمیت دارد روابط آمریکا و افغانستان است. اگر تمام معلومات شما از رسانه‌های جمعی باب روز (به شمول مطبوعات چاپی مانند نیویورک تایمز، واشنگتن پست، اکونومیست، لوموند دیپلماتیک و تلویزیون‌ها مانند سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی) می‌آید، باید از پیروزی ترامپ در انتخابات شگفت زده باشید. اما آنگونه که من رسانه‌ها را مطالعه می‌کنم - مطالعه من محدود به رسانه‌های جمعی باب روز نمی‌شود- پیروزی ترامپ در انتخابات تعجب آور نیست. ما در حال حاضر در واشنگتن شاهد مشاجره کارشناسان امور سیاست خارجی هستیم. به طور کلی موسسات پژوهش‌های پالیسی، افغانستان را نادیده گرفته اند. در کتاب اخیری که دانشگاه دفاع ملی تحت عنوان "نقشه راه؛

گزینه های استراتژیک برای دولت جدید<sup>۱</sup> منتشر کرده است، توماس لینچ هشدار می دهد که بزرگترین خطر در این منطقه، تهدید جنگ مخصوصا جنگ اتمی میان پاکستان و هند است. از نظر لینچ افغانستان و امنیت آن اهمیت ثانوی دارد. این مرا ناراحت می کند ولی همچون دیدگاهی در میان تحلیلگران مسایل استراتژیک معمول است. اما واشنگتن، امریکا نیست. فهم این نکته برای پی بردن به دلیل پیروزی ترامپ ضروری است.

**پیشگویی آینده؛ تعهدات امنیتی:** دانستن جزئیات روابط آینده میان دو کشور دشوار است. برای ما سخت است که این روابط را درک کنیم. در انگلیسی ما اصطلاحا به اینگونه پیشگویی آینده می گوئیم "در ظرف کریستال نگاه کردن". در افغانستان پیشگویی کار "تعویذ نویس" است. شما امروز مرا مانند یک "تعویذ نویس" در نظر بگیرید. به نظر من روابط ما به دو بخش تقسیم می شود: کمک امنیتی و کمک انکشافی. به گزارش رسانه ها، وقتی دونالد ترامپ و آقای غنی در دوم دسامبر سال ۲۰۱۶ با هم تلفونی صحبت کردند، مکالمه آنها درمورد امنیت افغانستان بود نه انکشاف. اسناد اساسی که روابط ما بر آنها مبتنی است، نه فقط بر همکاری استراتژیک پایدار میان دو کشور تاکید می کند بلکه همچنان دربرگیرنده توافق حیاتی برای تاسیس "حمایت قاطع" می شود. افغانستان و ایالات متحده امریکا مجبور به پذیرفتن این چتر توافقات هستند و تا آنجایی که من می دانم کلمات دری "تعلیمات، کمک و مشاورت"، به پیگیری اهداف مشترک اشاره می کنند. تجربه شخصی خودم که بین سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ به حیث مشاور غیر نظامی برای نیروهای امریکایی در عراق کار کرده ام، مرا به این باور رسانده که نقش "مشوره" و "کمک" نیروهای ائتلاف می تواند بسیار مهم باشد. در حقیقت، تنها پس از خروج نیروهای مشوره و کمک امریکا از عراق در دسامبر سال ۲۰۱۱ بود که نیروهای داعش توانستند در این کشور در دسامبر ۲۰۱۳ نفوذ کنند. بنا بر برداشت من از رسانه ها که الزاما همان روایت رسانه ها از وضعیت نیست، "حمایت قاطع" در افغانستان عملکرد خوبی داشته است اما متاسفانه رسانه ها در گزارش دهی موفقیت های نیروهای بین المللی و افغان در جنگ علیه دشمن سه شاخه طالبان، القاعده و داعش قاطعیت نداشته اند. اداره اوباما اخیرا قوانین را برای مداخله نظامی نیروهای امریکایی برای حمایت از نیروهای مسلح افغان تجدید نظر کرد و به نظر من این اقدام برای حفظ امنیت افغانستان - اگر چه دیر هنگام - ضروری است. دولت جدید امریکا، اهداف امنیتی امریکا در افغانستان را در متن "مبارزه جهانی علیه تروریسم" قرار میدهد. شاید دو طرز تفکر عمده راست و چپ در مورد استراتژی کلی وجود داشته باشد اما هر دو دیدگاه نقش افغانستان را در تامین امنیت امریکا ضروری می دانند. بنا بر این به نظر من، ترامپ به اقدام رادیکال در کاهش تعهد امنیتی ایالات متحده امریکا نخواهد پرداخت.

**کمک انکشافی در مرتبه دوم قرار دارد.** چنانچه ما معمولا در کشورهای متزلزل می بینیم، کمک انکشافی رابطه نزدیکی با امنیت دارد. بدون امنیت اهداف انکشافی غیر قابل دسترس خواهد بود. اما باید آگاه باشید که امنیت و انکشاف از یک مادر نیستند. سیاست انکشافی ترامپ بستگی به چند عامل دارد: عامل اول، دیدگاه های شخصی خود او در مورد کمک خارجی است. عامل دوم، مربوط به روندهای بودجه دهی کانگرس می شود. سپس به دیدگاه های وزیر خارجه و بوروکراسی "یواس اید" (اداره انکشاف بین المللی امریکا) ارتباط می گیرد و نهایتا و مهمتر از همه به روابط شخصی ترامپ و رهبران حکومت وحدت ملی افغانستان آقایان اشرف غنی و دکتر عبدالله بستگی دارد. گذشته از مسایل دیگر، بی اعتمادی شخصی میان رئیس جمهور کرزی و باراک اوباما، عامل مهم ناکامی روابط آنها بود که متاسفانه تاثیرات منفی بر روابط دو جانبه گذاشت. افغانستان و امریکا در گذشته روابط بهتری را تجربه کرده اند. من امیدوارم ما باز هم شاهد گرمی روابط میان دو کشور باشیم؛ مانند زمانی که من تازه داخل افغانستان شده بودم و رئیس جمهور کارتر اینجا آمده بود و زمانی که رئیس جمهور آیزنهاور اولین بازدید یک رئیس جمهور امریکایی از افغانستان را در دهه ۵۰ میلادی انجام داد.

**دولت امریکا تک صدایی نیست:** مشاوران سیاست خارجی و برنامه ریزان افغان نباید تصور کنند که دولت امریکا با یک صدا درمورد افغانستان حرف خواهد زد. در واشنگتن گفته می شود که رهبران ما با سیاست "دولت یکپارچه" در مورد کمک امنیتی و انکشافی تصمیم می گیرند. اما

---

<sup>۱</sup><http://inss.ndu.edu/Media/News/Article/1024908/charting-a-course-strategic-choices-for-a-new-administration/>

مشاهدات من در این باره در عراق نشان داد که این حرف دروغ است. در واشنگتن ماموران سیاست خارجی غالباً با وزارت دفاع در مخالفت هستند. بنا بر این به نظر من روابط شخصی میان رئیس جمهور ترامپ و هم‌تایان افغان اش، غنی و عبدالله، برای تامین و دریافت کمک‌ها ضروری است. همچنان باید اضافه کنم که ما یک کانگرس جمهوری خواه داریم که میان نماینده گان و سناتورهایی که با نیازهای افغانستان احساس همدردی دارند و آنهایی که با مفکوره کمک خارجی در کل مشکل دارند، تقسیم شده است. دیپلمات‌های افغان در واشنگتن، نیویورک و اروپا باید نسبت به اینگونه اختلافات میان رهبران سیاسی کاملاً هوشیار باشند. برنامه‌های انکشافی امریکا در افغانستان متعدد و مختلف است. بودجه سالانه "یو اس اید" به حدس من حدود ۳ بلیون دالر می‌شود که مبلغ سخاوتمندانه‌ای است. اما فهمیدن این که چه مقدار از این بودجه مصرف می‌شود دشوار است. زیرا از یک سو ارقام در دسترس نیست و از سوی دیگر این بودجه به دلایلی میان افغانستان و پاکستان تقسیم شده است. مخاطبان ما در این جمع باید نسبت به برخی دیگر از مشکلات در رابطه با "یو اس اید" متوجه باشند. این شامل مشکلات و سوء تفاهات در مسایل تکنیکی مانند بودجه‌های جاری (on budget) و ذخیره (off-budget) یا کمک‌های بشردوستانه برای پیش‌آمدهای فاجعه بار طبیعی مانند زلزله، سیلاب و... می‌شود. مسایل پالیسی اینچنینی برای مقامات هر دو کشور بسیار مهم‌اند. در حال حاضر بودجه‌های "یو اس اید"، در ساحات وسیعی به شمول "کشاورزی"، "دیموکراسی و دولنداری"، "رشد اقتصادی"، "تحصیلات"، "مسایل جنسیت" - عمدتاً مربوط به زنان، "صحت" و "زیربنا" سرمایه‌گذار و برنامه ریزی می‌شود.

**تقاضا برای حسابدهی افزایش می‌یابد:** من واقعا نمی‌دانم که بودجه سال ۲۰۱۷ یا پس از آن چگونه خواهد بود. حدس من این است که در دولت ترامپ، نه افغانستان و نه دیگر کشورهای سازمان ملل متحد یا انجمن‌های منطقه‌ای از بودجه مشابه مانند گذشته در قسمت برنامه‌های تغییرات جوی برخوردار می‌گردند. به غیر از مسئله تغییرات جوی، تنها تغییر دیگر در سیاست بلند مدت دولت امریکا نسبت به امنیت و انکشاف، افزایش تقاضاها از جانب کاخ سفید، وزارت خارجه و یواس اید برای حسابدهی خواهد بود. نباید از روابط میان تروریزم، مواد مخدر و فساد شگفت زده شوید. تاکید بر حسابدهی متوجه یو اس اید، آی ام اف (صندوق بین‌المللی پول)، و دیگر دونه‌ها و وام‌دهنده گان بین‌المللی خواهد بود که بر مذاکرات آینده برخاسته از مذاکرات بروکسل نیز تاثیر خواهد گذاشت. آقای البین از سی‌گار (اداره سر مفتش ویژه برای بازسازی افغانستان) به عنوان یکی از سازمان‌های مورد علاقه خود نام برد که وظیفه اش بررسی جرایم و سوء استفاده هاست و به پاسخگو کردن طرفین دخیل در بازسازی افغانستان مدد می‌رساند. به گفته آقای البین، همین نقش سی‌گار باعث شده تا به طور کل در واشنگتن و احتمالاً در کابل طرفدار نداشته باشد. از سال ۲۰۰۲ تا کنون، تقریباً ۱۱۳ بلیون دالر به بازسازی و کمک برای افغانستان اختصاص یافته است. کانگرس امریکا اداره سر مفتش ویژه برای بازسازی افغانستان را با هدف نظارت مستقل و هدفمند از پروژه‌ها و فعالیت‌های بازسازی افغانستان تاسیس کرد. حدس من این است که اداره جدید یو اس اید و نیز برنامه ریزان در پنتاگون بیش از دوران بوش یا اوباما از بازرسی‌ها و نظارت‌ها استقبال خواهند کرد.

**خوشبینی به آینده:** به نظر من ما افغان‌ها و امریکایی‌ها در مورد دولت ترامپ باید به چندین دلیل خوشبین باشیم:

- (۱) در سالهای ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷، رئیس جمهور بوش و مشاورانش جنگ با طالبان در افغانستان را "یک جنگ برده" می‌خواندند و جنگ در عراق را مسئله‌ای دارای اهمیت استراتژیک می‌نامیدند. بوش در این قضاوت اشتباه می‌کرد و مجبور به تغییر مسیر شد. من فکر نمی‌کنم ترامپ دوباره مرتکب همین اشتباه شود، مخصوصاً اگر رئیس جمهور غنی و رئیس اجرائیه/ صدراعظم عبدالله، روابط شخصی قوی را با رئیس جمهور ترامپ برقرار کنند.
- (۲) به نظر من، ترامپ جنگ جهانی با تروریزم اسلامی را تا پیروزی دنبال خواهد کرد. نقش افغانستان را در این زمینه نمی‌توان نادیده گرفت. در حقیقت، به نظر من پاکستان بیش از افغانستان باید نگران سیاست دولت ترامپ باشد.
- (۳) اگر افغانستان به دو مشکل اجتماعی اش "موارد مخدر" و "فساد" رسیده‌گی کند، در تمایل امریکا برای تامین کمک انکشافی برای افغانستان محدودیتی وجود نخواهد داشت. اما اگر این اتفاق نیفتد، آنگاه ترامپ، کانگرس و افکار عمومی در امریکا دیگر برای پروژه‌های فاسد هزینه نخواهند کرد. در این رابطه پیشنهاد می‌کنم کتاب مهم سارا چاییز به نام "دزدان دولت" را مطالعه کنید.
- (۴) میان دو کشور، توافقات زیاد فزاینده‌ای بسته شده است که ایالات متحده امریکا را به طور بلند مدت در برابر پیشرفت اقتصادی و امنیتی افغانستان متعهد می‌سازد. اما دولت افغانستان نباید آنرا ساده لوحانه قلمداد کند و مهمتر اینکه نباید با رابطه برقرار کردن با گروه



های لابی گر سعی در نفوذ گذاری بر دولت ایالات متحده امریکا داشته باشد. اشاره من به گزارشی است از نیویورک تایمز که می گوید دولت افغانستان با پرداخت ماهانه ۵۰ هزار دالر به یک شرکت لابی گر، سعی کرده بر دولت امریکا تاثیر بگذارد.

۵) امکان نظارت مستقیم از پروژه ها و برنامه ها در ساحات وجود دارد. اینکه یک کشور چگونه می تواند از پشت دیواره های تدافعی به مسایل دیپلماسی و انکشافی رسیده گی کند، برای من یک سوال حل نشده است. دیپلمات های امریکایی و مقامات یواس اید باید از دفاتر خود بیرون شده و به ساحات قدم بگذارند. این پیشنهاد خطرات زیادی در پی دارد، بنابراین باید در قسمت تهیه بودجه و افراد برای دفاتر مذکور توجه جدی شود.

۶) برای نیت خیر مردم در برنامه های ابتکاری شان هیچ محدودیتی وجود ندارد. برنامه های مردمی در محکم کردن روابط بسیار تاثیر گذار هستند. برنامه های دولتی و غیر دولتی فراوانی هم اکنون وجود دارد که از جمله می توان به برنامه فولبرایت، انستیتوت امریکایی مطالعات افغانستان و بنیاد صلح جان اف کندی اشاره کرد.

**چارچوب های کاری مناسب برای دولت جدید وجود دارند:** آقای ارسلان سخرنانی خود را با گفتن اینکه اظهاراتش شامل نظرات شخصی او می شود، شروع کرد. او گفت پاسخ کوتاهش به این سوال که در مورد سیاست خارجی دولت ترامپ چه می دانیم، این است که ما در مورد چیزی نمی دانیم. هر چیزی ما از رسانه ها در این باره می شنویم، گمانه زنی است. اما خوشبختانه در رابطه با افغانستان، رئیس جمهور ترامپ چارچوب های کاری مناسب دارد. یکی از آنها، توافق همکاری استراتژیک است که بر اساس آن از افغانستان به حیث یک متحد مهم امریکا در خارج از پیمان ناتو نام می برند. اضافه بر آن، پس از تشکیل دولت وحدت ملی، هر دو کشور یک توافق امنیتی دو جانبه را با هم امضا کردند که بنا بر آن دولت امریکا قادر به حمایت از نیروهای امنیتی افغانستان خواهد بود. در چارچوب امنیتی، تصمیم رئیس جمهور اوباما برای نگه داشتن ۹,۸۰۰ سرباز امریکایی در افغانستان پیام های مهمی را برای دولت افغانستان و مداخله گران منطقه ای فرستاد، مبنی بر اینکه ایالات متحده امریکا افغانستان را ترک نخواهد کرد و از این کشور در مقابله با دشمنانش حمایت خواهد کرد. این به رئیس جمهور ترامپ اجازه خواهد داد تا تعداد نیروهای امریکایی را تنظیم کند. بنا بر آنچه ما تا کنون از بسیاری مقامات امریکایی به شمول جنرال ماتیس (وزیر دفاع امریکا) و جنرال فلین (مشاور امنیت ملی امریکا) و خود رئیس جمهور ترامپ شنیده ایم، تمرکز دولت آینده بر " مبارزه علیه تروریسم " خواهد بود. انتظار می رود که این دو جنرال که هر دو افغانستان و منطقه را خوب می شناسند، موقف سخت تری در قبال پاکستان و بازیگران منطقه ای اتخاذ کنند.

**فشار برای حسابدگی بیشتر خواهد شد:** یکی از نقاط مهم که رئیس جمهور ترامپ بارها خاطر نشان کرده ، این است که دیگر به افغانستان چک سفید داده نخواهد شد. در آینده یقینا فشارها برای حسابدگی افزایش خواهد یافت. در حکومت وحدت ملی نشانه های خوبی مشاهده می شود که تشکیل مرکز عدلی و قضایی مبارزه با جرایم سنگین فساد اداری یکی از آنهاست. این مرکز تا کنون یک مقام بلند رتبه نظامی را به اتهام فساد محاکمه و زندانی کرده است. همچنان یک وزیر کابینه دولت وحدت ملی، بخاطر اتهامات فساد شغل اش را از دست داد. هرچقدر سیاستگذاران امریکایی و افکار عمومی در امریکا موقف سخت تری در برابر فساد مشاهده کنند، به نفع افغانستان خواهد بود. یک نکته مهم دیگر که در گفتگوی تلفونی رئیس جمهور غنی با آقای ترامپ مطرح شده ، علاقه نشان دادن آقای ترامپ به معادن افغانستان بوده است. با توجه به اینکه آقای ترامپ سابقه تجارت پیشه گی دارد، این موضوع در دستور کار او قرار خواهد داشت.

در جبهه سیاسی، ما انکشافات مثبت را شاهد هستیم که تشکیل کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان از آن جمله است. این کمیسیون زمینه برای برگزاری انتخابات آینده بخصوص انتخابات پارلمانی را فراهم خواهد کرد. در رابطه با مبارزه بر ضد تروریسم، به نظر من آقای ترامپ نماینده قدرتمندی را به افغانستان خواهد فرستاد که بتواند در ایجاد روابط مطلوب میان رهبران دو کشور کمک کند. رئیس جمهور ترامپ مشکلات منطقه ای را بخصوص در ارتباط با پاکستان به خوبی می شناسد. آقای ارسلان، پیامی را درباره پاکستان از صفحه تیوتر آقای ترامپ قرائت کرد که می گوید " پاکستان دوست ما نیست. ما به آنها بلیون ها دالر داده ایم و در عوض آنچه به ما رسیده بی احترامی ، خیانت و بدتر از آن بوده است." به گفته آقای ارسلان این پیام نشان می دهد که او خرابکاران منطقه ای را به خوبی می شناسد. بنا براین ما در برخی موضوعات مهم با هم توافق داریم. اما برای ما مهم است که از دستاوردها و موفقیت های افغانستان بگوئیم. اگر افغانستان سال ۲۰۰۱ را با افغانستان امروز مقایسه کنید، با هر شاخصی که در نظر گرفته شود، چه به لحاظ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، ما شاهد پیشرفت بوده ایم.

**نهادسازی کلید واژه روابط آینده است:** آقای حیدری، با تائید سخنان هر دو سخنران، بر اهمیت نهادی سازی دستاوردهای گذشته تاکید کرد و گفت نهادسازی کلیدواژه انکشاف آینده روابط میان ایالات متحده امریکا و افغانستان خواهد بود که می تواند برقراری صلح را نیز در بر داشته باشد. به گفته آقای حیدری، نباید برای برقراری صلح راه های میانبر را در پیش بگیریم بلکه ما خواهان صلح نهادی سازی شده هستیم. آقای حیدری یادآوری کرد که در طول ۱۶ سال گذشته ایالات متحده امریکا بسیار خون و پول در افغانستان هزینه کرده است. او در تائید اظهارات آقای ارسلان ابراز امیدواری کرد که جنرال ماتیس و جنرال فلین هر دو شناخت خوبی از افغانستان دارند و می توانند در دولت جدید امریکا موثر و مفید واقع شوند.

میزگرد با جلسه پرسش و پاسخ خاتمه یافت. مهمترین سوالات، نگرانی ها و حرف هایی که اشتراک کنندگان و سخنران ها مطرح کردند به شرح ذیل است:

- پالیسی ترامپ در برابر بازیگران منطقه ای مانند چین و روسیه چه خواهد بود؟
- آیا می توان در مورد سیاست های دولت جدید امریکا پیشبینی داشت؟
- آیا ما شاهد تغییر سیاست دولت امریکا در قبال دولت های منطقه خواهیم بود؟ (مانند تغییر سیاست در برابر قرارداد اتمی ایران با کشورهای غربی) و اگر آری، چه پیامدهایی بر افغانستان خواهد داشت؟
- موقف دولت جدید امریکا در قبال صلح و آشتی در افغانستان چه خواهد بود؟
- کدام ویژگی های شخصی آقای ترامپ به حیث یک تجارت پیشه بر سیاستگذاری او به حیث رئیس جمهور تاثیر گذار خواهد بود؟

**آقای ارسلان:** میان روسیه و دولت ترامپ به دلایل متعدد به شمول حل بحران سوریه، همکاری بیشتری صورت خواهد گرفت. در رابطه با افغانستان، روس ها دیدگاه ها و تقاضاهای خود را از طریق سفیر خود در افغانستان بیان کرده اند. دولت آینده امریکا همچنان نگرانی های جدی در رابطه با ایران، پاکستان و دیگر کشورهای منطقه دارد. در رابطه با توافق اتمی ایران با غرب، از آنجا که این توافق چندجانبه است، برای امریکا آسان نخواهد بود که به طور یکجانبه آنرا تغییر دهد.

در رابطه با صلح و آشتی در افغانستان، رویکرد اصلی در امریکا این است که روند صلح باید توسط افغان ها رهبری شود.

**آقای البین:** من فکر نمی کنم که در حال حاضر هیچ کشوری در جهان بتواند از امریکا یک لیست عمل برای چهار سال آینده توقع داشته باشد. چیزها تغییر خواهد کرد، مسایل حل خواهد شد و ما سمت و سوی سیاست خارجی دولت جدید را استشمام خواهیم کرد. من امیدوارم سمت و سوی دولت آینده همان سمت و سوی درست باشد. ما طرفدار روابط بلند مدت با افغانستان هستیم. در رابطه با بازیگران منطقه ای باید بدانیم که افغانستان مانند قلب منطقه است که منطقه را به هم متصل می سازد. ترامپ درک خواهد کرد که افغانستان مرکز این منطقه است و هرگاه ما از روسیه، چین، هند، پاکستان، ایران و یا کشورهای خلیج فارس سخن می گوئیم، باید متوجه افغانستان باشیم. این کشورها همه می خواهند افغانستان را به زمین بازی خود تبدیل کنند اما ترامپ اجازه نخواهد داد این اتفاق بیافتد. من فکر می کنم در روابط روسیه - امریکا موضوع قابل نگرانی نسبت به افغانستان وجود ندارد. روابط ترامپ - پوتین در مورد افغانستان رابطه سالمی است. کشورهایی که به دلایل مختلف باید نسبت به سیاست خارجی دولت جدید نگران باشند، ایران و پاکستان هستند. اما در مورد توافق اتمی ایران با غرب، هر اتفاقی در مورد آن صورت بگیرد، افغانستان را متاثر نخواهد کرد بلکه پیامدهای آن عموماً متوجه کشورهای خلیج فارس می شود.

صلح و آشتی یک مسئله مربوط به پالیسی دولت است. برای مثال ما همیشه در کانگرس در مورد کمک خارجی تنش داشته ایم و هنوز هم داریم. نیت دولت امریکا در این باره مثبت و خوب است. اضافه بر آن، سازمان های غیر دولتی مانند انستیتوت امریکایی برای صلح می توانند برای کنار هم آوردن جوانب درگیر مناقشه موثر واقع شوند. آنها در عراق موفقیت هایی به دست آورده اند.

در رابطه با دیدگاه های ترامپ به حیث یک تجارت پیشه، پیشنهاد می کنم کتاب "هنر معامله" (نوشته دونالد ترامپ و تونی شوارتز) را مطالعه کنید.